

der Alarm, der Alkohol, allein, aller, allerdings, allgemein

written by مرتضی غلام نژاد | نوامبر 3, 2017

سلام دوستان در درس امروز می خواهیم واژگان کلیدی زیر را مورد بررسی قرار بدهیم :

der Alarm, der Alkohol, allein, aller, allerdings, allgemein

اولین واژه کلیدی ما Alarm است

der Alarm, -e یک اسم مذکر است

اخطار ، هشدار ، اعلام خطر

Hast du gestern den Alarm gehört?

دیروز تو آن آژیر خطر را شنیدی ؟

Alarm geben oder Alarm auslösen

هشدار دادن یا هشدار به وجود آوردن

auslösen یک فعل جدا شدنی می باشد

به معانی برده ای را خریدن و او را آزاد کردن ، از میان گوشت استخوانی را بیرون کشیدن ، چیزی را از گرو در آوردن ، مانع

را برطرف نمودن ، رفع مشکل کردن

که در بالا به مفهوم : به وجود آوردن ، پدید آوردن

در تفکر آلمانی ما می توانیم یک هشدار یا اعلام خطر را به وجود بیاوریم یا یک هشدار یا اعلام خطر را پدید بیاوریم

در درس مربوط به فعل auslösen حتما آنرا بیشتر مورد بررسی قرار میدهیم.

واژه کلیدی بعدی ما اسم مذکر Alkohol است

der Alkohol یک اسم مذکر است

الکل ، مشروبات الکلی

Er hat die Wunde mit Alkohol gereinigt

او (مذکر) آن زخم را با الکل تمیز کرد

Nein, danke! Ich trinke keinen Alkohol

نه ، مرسی ، من مشروبات الکلی نمی نوشم

واژه کلیدی بعدی ما allein است

allein یک صفت است

تنها ، یکتا ، بی مانند ، فقط ، اما ، ولی

Ich gehe nicht gern allein ins Kino

من علاقه ای ندارم تنهایی به سینما بروم

Danke, ich schaffe es schon allein

ممنون ، اون رو تنهایی انجامش میدم

یا مرسی ، خودم انجامش میدم

واژه کلیدی بعدی aller است

aller می تواند با دیگر واژه های ما ترکیب شود

همه ، تمام ، کلیه ، جمله ، جمیع ، هرگونه ، همگی ، بسیار ، هرگونه ، یکسر ، تماماً

z.B. der allerbeste, der allerschönste, der allerwichtigste

برای مثال ، همه بهترین ها ، همه زیباترین ها ، همه مهم ترین ها

واژه کلیدی بعدی ma allerdings است

allerdings یک قید می باشد

اما ، ولی ، منتهی ، البته که ، واضح است که ، مؤکداً

Ich habe es getan, allerdings sehr ungern

من آنرا انجام دادم ، ولی خیلی راضی نبودم

Ich sehe die Dinge im wesentlichen so wie Sie, in diesem letzten Punkt bin ich allerdings anderer Meinung

من عمده چیزها رو همانند شما می بینم ، در آخرین موضوع نظر دیگری دارم

و آخرین واژه کلیدی این درس allgemein است

allgemein یک صفت است

عمومی ، اشتراکی ، برای همه کس شناخته شده ، زیربنایی ، اساسی ، بنیانی ، به طور کلی

Auf allgemeinen Wunsch wird das Konzert am Sonntag wiederholt

عموم مردم خواستارند آن کنسرت در روز یک شنبه دوباره تکرار بشه

Im allgemeinen bin ich mit seiner Arbeit sehr zufrieden

به طور کلی از کارش خیلی راضی هستم

یا به طور کلی با کارش خیلی خوشحال هستم (از نحوه انجام کارش)

درکل از کارش خیلی راضی هستم (ترجمه دوست عزیزمان میلاد)

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :